

چگونگی شکل‌گیری شهر شهروند مدار؛ بررسی نقش مشارکت در نهادهای آموزشی و تاثیر آن بر تکوین مشارکت مدنی در بزرگسالی

محمد امیر پناهی- کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
غلامرضا غفاری* - دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

The way of shaping a citizens oriented city communion in educational systems survey and its effect on social communion in adolescence

Abstract:

This article is willing to study and compare the relation between people communion in student groups of school and having a social personality and social responsibility, and then answers the question of why adults join the groups and what social rules and regulation they obey? What are they looking for by joining these groups? We start from the fact that how people become adults that their social communion helps their society to change reform and last. This approach tries to explain how a social society is being built by people who are shaping their on social personality. The population of this survey is made of people older than 25 living in Tehran and the number of sample is 400 people. The result of the survey shows that there is a very strong relation between people communion in school groups during childhood and social groups during their adolescence. This period is a very vital opportunity to exercise democratic patterns in low levels of society and more their personality shapes based on social activities have a different and better way than people who do not have the chance to participate in groups.

Keywords: social personality, student groups, social communion, genetic approach, young and adolescence people, social responsibility.

چکیده

این مقاله در صدد آنست که با بررسی و سنجش رابطه بین شرکت و فعالیت افراد در تشکلهای دانش آموزی در دوران مدرسه و تکوین هویت مدنی و حس مسئولیت پذیری اجتماعی، به این سوال پاسخ دهد که چرا بزرگسالان به گروهها می‌پیوندند و در این میان از کدام سازوکارها و رویه‌های اجتماعی تبعیت می‌کنند؟ و از این طریق به دنبال چه چیزهایی هستند؟ ما در مقاله حاضر بر اساس رویکرد تکوینی به بررسی در مورد این سوال پرداخته ایم. نقطه عزیمت این رویکرد در خصوص تکوین هویت مدنی توجه به این مسأله است که چگونه افراد به بالغانی تبدیل می‌شوند که مشارکت مدنی آنها به تداوم، اصلاح یا تغییر شکل جامعه مدنی کمک می‌کند. این رویکرد تلاش می‌کند که توضیح دهد، در وهله اول چگونه جامعه مدنی توسط افرادی که دارند هویت‌های مدنی خود را شکل می‌دهند، ساخته می‌شود. جامعه آماری تحقیق را افراد بالای ۲۵ سال ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند و حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر برآورد گردید. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین تکوین و شکل‌گیری هویت مدنی و مشارکت در فعالیتهای مشارکت جوانانه در مدرسه و در دوران نوجوانی و جوانی همبستگی مثبت و بالایی وجود دارد. این دوران فرصت بسیار حیاتی برای تمرین حاکمیت الگوهای دموکراتیک در سطوح پایین نهادهای اجتماعی و مهمتر از آن بازتولید آن در عرصه فراگیر سیاسی اجتماعی است. بنابراین افرادی که شکل‌گیری هویت آنها بر اساس و مبتنی بر رویه‌های مدنی صورت می‌گیرد به مراتب نسبت به آنهایی که به هر علت فاقد این تجارب مشارکتی هستند، مسیر متفاوتی را در تکوین و شکل بخشی به هویت خود دنبال می‌کنند.

واژگان کلیدی: هویت مدنی، تشکلهای دانش آموزی، مشارکت مدنی، رویکرد تکوینی، نوجوانان و جوانان، مسئولیت پذیری اجتماعی.

بردارنده تعهد تعمیم یافته نسبت به دیگران، فعال‌گرایی و عقلانیت است. دوران کودکی و نوجوانی زمان بسیار مناسبی برای شکل‌گیری هویت مدنی است که اخلاق مسئولیت‌ی یکی از ابعاد این هویت است. یکی از مهمترین نهادهایی که بخش قابل توجهی از دوران کودکی و نوجوانی افراد را به خود اختصاص می‌دهد نهاد آموزش رسمی در قالب مدارس است. آنچه که بیش از همه در مدارس قابل توجه است نه آموزش رسمی بلکه سازوکارها و فضاهایی است که کودکان را بر اساس فعالیت‌های گروهی متشکل می‌کند. نهادها، تشکلهای انجمن‌های دانش‌آموزی فعال در مدارس مهمترین این فضاها هستند. تحقیقات بسیاری این مطلب را تایید می‌کنند که فعالیت‌های این چنینی در آماده ساختن کودکان و نوجوانان برای ورود به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی به‌گونه‌ای فعال و فراگیر نقش بسزایی دارند. در واقع آنچه که تحت عنوان هویت مدنی نام برده می‌شود غالباً تحت فرایند یادگیری‌های اولیه دوران مدرسه در قالب فعالیت‌های تشکلی گونه، تکوین می‌یابد. کیستی مدنی فرد در این دوران پایه ریزی می‌گردد. یونیس و همکاران مطالعاتی را مرور کرده‌اند که نشان می‌دهند که مشارکت در گروه‌های سازمان یافته ضابطه مند در دوران نوجوانی یا جوانی عامل تعیین‌کننده میزان تعهد مدنی در بزرگسالان در چند سال بعد خواهد بود (یونیس و همکاران، ۱۳۸۱، ۲۱).

در ایران فعالیت‌های تشکلی گونه و سازمان یافته در مدارس و دبیرستانها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این کم توجهی در نگاه دولت‌ها کاملاً مشهود است. تمام تلاش جنبش اصلاحات معطوف به فتح دولت گردید و پس از فتح دولت نیز هیچ‌گاه به این بنیان‌ها آن طور که باید توجهی نکرد. غافل از آنکه شهروندان دمکرات و مشارکت‌جو نقش مهمی در تعدیل و انعطاف ساختار سیاسی دارند و شهروندان نیز یک شبه دمکرات یا مستبد نمی‌شوند. رویارویی‌های سیاسی آشکار در قالب اعتصابات، تحصن‌ها و غیره، فعالیت مدنی را به سطح سیاسی و عمدتاً بدنه حاکمیت محدود می‌کرد. آن نیرو و توانی که صرف مبارزه سیاسی گردید هیچ‌گاه معطوف به مدارس و نهادهایی که در بلند مدت نیروی اساسی و

بین صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نوعی اجماع نظری وجود دارد که مراحل آغازین زندگی فردی (دوران کودکی و نوجوانی) پایه‌ای‌ترین دوره شکل‌گیری شخصیت فردی و هویت اجتماعی و مدنی است. اگرچه فرایند یادگیری اجتماعی در بزرگسالی متوقف نمی‌شود اما تغییرات در این دوران بسیار اندک و کند است. از این رو آنچه که در دوره کودکی و نوجوانی آموخته می‌شود، مبنایی اساسی برای رفتارهای دوره بزرگسالی است. علاوه بر اجماع نظری صاحب‌نظران، تحقیقات تجربی نیز بر این نکته صحت گذاشته‌اند. تحقیقات اینگلهارت در خصوص ظهور ارزشهای فرامادی در جامعه پیشرفته صنعتی موید این دیدگاه است. داده‌های به دست آمده از زمینه‌یابی‌های ملی در کشورهای مختلف این فرض اینگلهارت را که بین جامعه‌پذیری اولیه و ظهور ارزشهای فرامادی رابطه معناداری وجود دارد، تایید می‌کند. «چنین به نظر می‌آید که جامعه‌پذیری در سالهای ابتدایی زندگی در مقایسه با جامعه‌پذیری در بزرگسالی اهمیت بیشتری دارد» (اینگلهارت: ۱۳۷۳، ۷۶). این مساله نشان می‌دهد که یادگیری‌های دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند به عنوان یک عامل مهم، نگرش و رفتار فرد در بزرگسالی را جهت دهد. از این رو توجه به سازوکارهای تکوین بخش نظام فکری و تمایلات افراد و سوق دادن آنها به جهت‌گیری‌های توسعه محور در زندگی اجتماعی، فرهنگی، و... می‌بایست در اولویت سیاست‌گذاران قرار گیرد. به نظر می‌رسد در جامعه ایران تحولات نظام شخصیتی تاکنون به گونه‌ای نبوده است که قادر باشد در سطوح خرد (فردی) زمینه‌ها و شرایط لازم را برای توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه فراهم کند. توسعه اجتماعی و مشارکت خلاقانه و داوطلبانه نیازمند افرادی با شخصیتی رشد یافته است. این امر به توسعه و تحول ساختاری کمک می‌کند و توسعه ساختاری امکان تقویت و غنای شخصیت افراد را فراهم می‌سازد. «مسئولیت شخصی یا اخلاق مسئولیت نمایانگر عالی‌ترین تمایل شخصی است که می‌تواند در فراگرد رشد شخصیت به دست آید» (چلبی: ۲۵، ۱۳۷۵). اخلاق مسئولیت در

خودجوش جامعه مدنی را فراهم می‌آورند، نگرديد. مدارس، دبیرستان‌ها و غيره كانون‌های اولیه و پایه ای تمرین عملی برای مشارکت مدنی در آینده‌اند. فعالیت‌های سازمان یافته دانش آموزان در مدارس و غيره، موجب می‌گردد که مشارکت مدنی به عنوان مولفه ای پایدار از هویت مدنی آنان در آید و به جزء بنیادی شاکله شخصیت‌شان تبدیل گردد. مشارکت در مدارس همچون وسیله ای کارآمد در خدمت حل مسائل مدرسه قرار می‌گیرد. در طرح آزمایشی شهردار مدرسه که در مدارس شهر تهران صورت گرفت «نوجوانان مدارس راهنمایی تهران به خوبی نشان دادند که در صورت وجود زمینه مساعد، می‌توانند در مدتی محدود به اقدامات گوناگون دست یازند و مسئولیتهای متنوعی برعهده گیرند و برای به پایان رساندن آنها مسئولانه بکوشند» (پیران؛ ۱۳۷۷: ۸۷). واقعیت‌های جامعه مدرن چنین می‌نمایاند که مسئولیت همه ارکان جامعه چه از حیث اخلاقی و چه به لحاظ سازوکارهای مدنی، در قبال ارتقای دانش و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان افزون تر شده است. در این مقاله سعی بر این است تا به این سوال پاسخ داده شود که فعالیت‌های مشارکتی دوران مدرسه و دبیرستان تا چه اندازه نقطه اتصال به رفتار بزرگسالی است و نقش این فعالیت‌ها در شکل‌گیری هویت مدنی و بازتولید مشارکت مدنی در بزرگسالی به چه صورت است. در واقع این مقاله در صدد است به پاسخ این سوال که چرا بزرگسالان به گروه‌ها می‌پیوندند و از کدام سازوکارها و رویه‌های اجتماعی تبعیت می‌کنند؟ با تصویر رویکرد تکوینی از تحلیل تشکلهای دانش آموزی و در کل سازوکارهای گروهی و مشارکت - محور نوجوانان و جوانان دست یابد.

مفهوم هویت مدنی

هویت منبع معنا برای کنشگران اجتماعی است و به دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود (کاستلز: ۲۳، ۱۳۸۲). هویت محصول درونی سازی انتظارات مربوط به نقش‌های اجتماعی است. افراد در نتیجه فرایند اجتماعی شدن و زندگی در جامعه، نهادها، نقش‌ها و غيره، را درونی می‌کنند؛ هویت عطا نمی‌شود، بلکه

ساخته می‌شود.

هویت مدنی شناسه قلمرویی از زندگی اجتماعی است که افراد نسبت به آن احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند. در واقع، هویت مدنی شامل حس همکاری و مسئولیت اجتماعی در تداوم رفاه جامعه است (یونیس و همکاران: ۲۸، ۱۳۸۱). این مفهوم با مفهوم مسئولیت مدنی مرتبط است. مسئولیت مدنی بر توازنی که افراد بین نفع فردی و نفع دیگران (جمعی) قائل اند، استوار است. بنابراین هویت مدنی هویتی است که شکل‌گیری احساس فردی و جمعی عاملیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و آگاهی سیاسی - اخلاقی را ایجاب می‌کند (همان: ۲۸).

این معنادر مفهوم شهروندی متجلی است. شهروندی به حس تعلق و عضویت در یک جامعه اشاره می‌کند و شهروند کسی است که شهر مال اوست و به تبع آن دارای حقوق و نیز تعهداتی در قبال آن است. در واقع، موقعیت شهروند به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد؛ در حالی که به او استقلال فردی اش را نیز ارزانی می‌دارد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس می‌یابد که هر چند از نظر محتوا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لکن همیشه بر پذیرش کارگزاری و عاملیت سیاسی، دارندگان آن حقوق دلالت دارد. بنابراین ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است (فالکس، ۱۳: ۱۳۸۱).

بنابراین مسئولیت‌پذیری مدنی جزء جدایی‌ناپذیر شهروندی است. در واقع این قابل تصور است که یک جامعه بتواند بدون بیان رسمی حقوق به درستی کار کند اما به سختی می‌توان وجود یک جامعه انسانی با ثبات را بدون وجود حس تعهد مدنی میان اعضایش تصور نمود. تعهد مدنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حس همکاری و مشارکت اجتماعی، آگاهی سیاسی اخلاقی و اخلاق مشارکت مولفه‌های تشکیل دهنده هویت با جزء مدنی آنند. در مطالعه حاضر هویت مدنی که در قالب مشارکت فعال در امور اجتماعی و سیاسی و مسئولیت‌پذیری مدنی متجلی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۴ پاییز و زمستان ۱۳۸۸
No.24 Autumn & Winter

مدرسه و تکوین مشارکت مدنی

مدرسه مهمترین سازمان اجتماعی کردن افراد است. این اهمیت نه فقط از جهت آموزش رسمی، بلکه بیشتر از آن جهت است که محلی برای تمرین عملی مشارکت مدنی و ایجاد حس مسئولیت پذیری اجتماعی در افراد است. این خصیصه است که مدارس را در جایگاه بالایی از حیث ساختن افراد به مثابه شهروندان آتی جامعه قرار داده است. البته این کارکرد زمانی تحقق می یابد که فعالیتهای داوطلبانه در قالب تشکل های دانش آموزی و شوراهای دانش آموزی در مدارس به خوبی تعریف و جایگاه خود را پیدا کنند. مطالعات نشان داده اند که ارتباط بین مشارکت در طرحهای خدماتی اجتماع محور و تکوین هویت مدنی بستگی به ماهیت معین فعالیتهای مدنی که از سوی نوجوانان و جوانان صورت می گیرد، دارد (متز و همکاران؛ ۱۸۹؛ ۲۰۰۳).

فعالتهای داوطلبانه و کارآمد در مدارس و دبیرستان نقطه تلاقی فعالیتهای دوران نوجوانی و جوانی به فعالیتهای مشارکت جویانه در بزرگسالی است. به کارگیری سیاست همکاری و مبتنی بر مشارکت جمعی در مدارس به رشد مهارتهای شناختی، اجتماعی، مدنی و سیاسی دانش آموزان کمک شایانی می کند و نتیجه آن تلاش مستمر جمعی برای بهتر شدن زندگی اجتماعی است. تحقیقات زیادی این ارتباط را در عمل تایید کرده اند. هنکس و انکلند اطلاعات مربوط به ۱۸۲۷ بزرگسال را گزارش دادند که در سال ۱۹۵۵ دانش آموز سال دوم

دبیرستان بودند و بخشی از نمونه ملی از ۹۷ دبیرستان را که توسط «سرویس آزمون تحصیلی» مورد بررسی قرار گرفته بودند، تشکیل می دادند. این نمونه طولی از بزرگسالانی تشکیل شده بود که در ۴۲ دبیرستان از این نوع تحصیل کرده بودند و ۱۵ سال بعد، از طریق نامه با آنها تماس گرفته شد. مشخص گردید که شرکت در فعالیتهای فوق برنامه در دبیرستان، صرف نظر از وضعیت اجتماعی - اقتصادی، دانشگاهی، استعداد و میانگین نمره درسی با عضویت در انجمن های داوطلبانه بیشتری در آینده همراه است. همچنین عضویت در کانون های داوطلبانه در سال ۱۹۷۰ به میزان قابل توجهی با رای دهی و اعتماد به روندهای سیاسی در این سالها همراه بود. شرکت در فعالیتهای فوق برنامه نقطه اتصال به بزرگسالی بود. این فعالیتهای شامل فعالیت انتشارات مدرسه، باشگاههای بحث سیاسی، گروههای خدمات اجتماعی، باشگاههای نمایش، موسیقی یا علمی و مدیریت دانش آموزان بود (یونیس و همکاران؛ ۳۰، ۱۳۸۱).

جدول شماره ۱ نتایج یک مطالعه گذشته نگر درباره اعضای سابق سازمانهای داوطلبانه است. در سال ۱۹۸۵ بزرگسالان (با میانگین سنی ۴۳ سال) عضویت و داشتن موقعیتهای رهبری فعلی خود در گروههای مدنی، خدماتی، کلیسا و حرفه ای را فهرست کردند. آنها همچنین عضویتشان در سازمانهای ایام جوانی را نیز، آن هنگام که ۲۵ سال داشتند، اعلام کردند.

جدول شماره ۱: احتمال مشارکت بزرگسالان در سازمانهای داوطلبانه به عنوان کارکرد و نتیجه مشارکت در ایام جوانی

نوع مشارکت	سازمانهای داوطلبانه جوانان		سایر سازمانهای جوانان	
	عضو	ریاست	عضو	ریاست
مدنی	۱/۹۹	۲/۸۹	۲/۱۳	۳/۰۲
کسب و کار	۱/۸۱	۱/۶۱	۱/۵۲	۱/۰۰
اجتماع (محلی)	۱/۹۷	۲/۳۳	۱/۶۴	۱/۸۳
کشاورزی	۴/۲۶	۷/۱۷	۲/۶۳	۳/۸۳
سیاسی	۳/۷۹	۳/۲۰	۳/۹۶	۲/۲۰
کلیسا	۱/۸۴	۱/۸۹	۱/۵۰	۱/۵۵

نکته: داده ها مشارکت کنندگان را با کسانی که مشارکتی نداشته اند، مقایسه می کند.

است. نخست از بعد عملی نقش‌ها و روندهای اساسی (یعنی رویه‌های سازمانی) لازم برای مشارکت مدنی بزرگسالان را عرضه می‌کند. دوم در سطح شخصی به جوانان کمک می‌کند تا مشارکت مدنی خود را در زمان مناسب، یعنی مراحل شکل‌گیری آن، با هویت خود تلفیق کنند. دانش آموزشی که در طرح‌های خدماتی با محوریت کمک به افراد نیازمند یا راهنمایی در خصوص مسائل و امور اجتماعی شرکت داشتند علاقه و تمایل بسیار بالایی برای مشارکت در امور اجتماعی و سطوح بالایی از مشارکت ارادی در امور مدنی از خود نشان می‌دادند. زمانی که مشارکت در این گونه طرح‌های خدماتی با انواع دیگر طرح‌ها و یا با وضعیتی که هیچ مشارکتی از سوی افراد در این نوع طرح‌ها مشاهده نمی‌گردید، مقایسه می‌شود؛ نتایج نشان می‌دهند که مشارکت در طرح‌های مربوط به خدمات اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با علاقه و تمایل برای مشارکت در امور اجتماعی، علاقمندی‌های مدنی غیر متعارف در آینده و شرکت در طرح‌های ارادی و داوطلبانه دارد (متز و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۰۱).

وربا و همکاران معتقدند که فعالیت‌های سازمان یافته در دبیرستان‌های آمریکا، تمرین‌های عملی مشارکت مدنی آینده است. فعالیت در گروه‌های سازمان یافته فرصت لازم را برای تمرین حاکمیت دموکراتیک به دست می‌دهد. مشارکت در مدیریت مدرسه، تهیه کتاب سال، مشارکت در طرح‌های خدماتی با همالان و از این قبیل به جوانان می‌آموزد که اعمال فردی و جمعی آنان با تأثیر بر دبیرستان و همالان محلی وسیع تر آنان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (همان: ۳۱).

بنابراین تجربه‌هایی که از طریق فعالیت و مشارکت در گروه‌ها و کانون‌های مدارس و دبیرستان‌ها به دست می‌آید، حاوی این نکته آموزنده به نوجوانان و جوانان درگیر در این فعالیت‌هاست که زندگی اجتماعی نیازمند همکاری‌ها و کنش‌های متقابل است و فعالیت گروهی مستلزم نوعی انضباط گروه در خدمت یک هدف مشترک است و از این طریق می‌توان اختلافات را به حداقل ممکن رساند. این فرایند ویژگی و خصیصه مدنی را در ساختار هویت افراد می‌گنجاند. به علاوه «درک بهتری از

داده‌ها به این صورت تحلیل می‌شوند: بزرگسالانی که عضو سازمان‌های داوطلبانه جوانان در طول ایام جوانیشان بوده‌اند، ۱.۹۹ بار بیشتر احتمال دارد که در سازمان‌های مدنی زمان حاضر نیز عضو باشند در مقایسه با بزرگسالانی که عضو سازمان‌های داوطلبانه در دورانی جوانی شان نبوده‌اند.

ستون‌های سمت راست جدول نشان دهنده میزان شانس و احتمال عضویت فعلی در گروه‌های داوطلبانه برای افرادی که در گذشته (ایام جوانی) عضو این گروه‌ها بوده در مقایسه با بزرگسالانی است که در هیچ یک از گروه‌های دوران جوانی عضو نبوده‌اند. نرخ‌ها در ستون اول نشان می‌دهد آنهایی که در دوران جوانی در این نوع گروه‌ها عضو بوده‌اند، در مقایسه با افراد فاقد عضویت، بیشتر احتمال دارد که در یکی از انواع گروه‌های مذکور در جدول عضو باشند. احتمال عضویت فعلی افراد سابقا عضو در ایام جوانی، در گروه‌های مدنی ۱.۹۹ بار، در گروه‌های کسب و کار ۱.۶۱ بار بیشتر است و به همین صورت می‌توان راجع به سایر داده‌ها اظهار نظر کرد. ستون بعدی نرخ و میزان عضویت ساده و یا داشتن مقام و منصب را در این گروه‌های داوطلبانه نشان می‌دهد. آنهایی که در ایام جوانی عضو بوده‌اند، به طور قابل ملاحظه‌ای احتمال بیشتری برای داشتن موقعیت‌های رهبری و مدیریتی در مقایسه با افراد فاقد سابقه عضویت در جوانی، دارند؛ برای مثال شانس داشتن موقعیت رهبری در گروه‌های مدنی برای آنها ۲.۹۸ بار بیشتر و این شانس برای داشتن همین موقعیت در گروه‌های کسب و کار ۱.۶۱ بار بیشتر از افرادی است که در ایام جوانی فاقد تجربه مشارکتی بوده‌اند (یونیس و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۲-۶۲۱).

وربا و همکاران نیز عوامل پیش‌بینی‌کننده مشارکت سیاسی و فعالیت‌های جمعی بزرگسالان را بررسی کرده‌اند. آنها از آنالیز رگرسیون با استفاده از عواملی مانند سطح تحصیلی و نوع شغل برای پیش‌بینی استفاده کردند. دو عامل پیش‌بینی‌کننده قوی مشارکت بزرگسالان، شرکت پاسخ دهنده در مدیریت دبیرستان و باشگاه‌ها یا گروه‌های ذی‌نفع بود (همان: ۳۱).

شرکت و فعالیت در گروه‌های سازمان یافته در مدارس و در دوره نوجوانی - جوانی به دو دلیل دارای تاثیرات پایدار

دنیای نوجوانی و جوانی و تناقضات این مقاطع از زندگی آدمی به دست می‌دهد» (پیران؛ ۱۳۷۷: ۸۳).

دانش آموزان از این طریق نقش خود را به عنوان بازیگران و عاملان بالقوه و تأثیرگذار در فرایندهای اجتماعی در نظر می‌گیرند. در واقع جنبه مدنی هویت زمانی شکل می‌گیرد که نوجوانان و ... مشارکت، مسئولیت اجتماعی و نقش خود در فرایندهای سیاسی و تعهد خود به اصول اخلاقی را به هم پیوند می‌دهند. بنابراین افرادی که شکل‌گیری هویت آنها بر اساس مبتنی بر رویه‌های مدنی صورت می‌گیرد به مراتب نسبت به آنهایی که به هر علت فاقد این تجارب مشارکتی هستند، مسیر متفاوتی را در تکوین و شکل بخشی به هویت خود دنبال می‌کنند.

مشارکت در تثبیت چالش‌ها و کشمکش‌های مدنی به عنوان یک عنصر اصلی در هویت‌های در حال شکل‌گیری جوانان عمل می‌کند. برای مثال شرکت در تحصن نهار خوری و تحمل آزار و اذیت پلیس، به خودی خود نمی‌تواند رأی دادن و یا فعالیت در مبارزه سیاسی را در ۲۵ سال بعد توضیح دهد. ولی شاید دانشجویانی که در تحصن شرکت کردند و دستگیر شدند، آموختند که اعمال فردی یا جمعی موجب همکاری مؤثر آنان می‌شود و مسئولیت پذیریشان دیگران را نیز به پذیرش مسئولیت تشویق می‌کند (همان: ۳۴). گیدنز معتقد است افرادی که فهم درستی از ساختمان عاطفی شان دارند و می‌توانند بر یک پایه شخصی ارتباط کارآمدی با دیگران داشته باشند، برای پذیرش وظایف گسترده تر شهروندی احتمالاً آمادگی بیشتری دارند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

بنابراین براساس بحث‌های مطرح شده رویکرد نظری این مطالعه رویکرد تکوینی است. این رویکرد در تحلیل

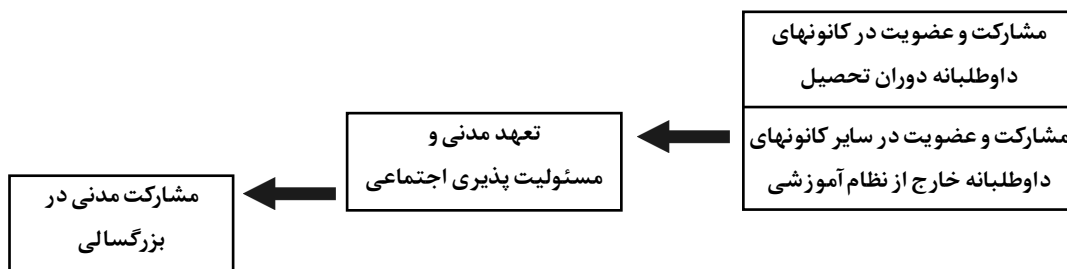
شکل‌گیری هویت مدنی نگاهی از پایین به بالا دارد. در واقع به جای تمرکز بر عوامل ساختاری و کلان تضعیف جامعه مدنی به این مسئله می‌پردازد که «چگونه افراد رویه‌های تشکیل دهنده هویت مدنی را کسب می‌کنند» (یونیس و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۵). بنابراین مدل نظری تحقیق را می‌توان به صورت ذیل نشان داد:

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایش است. پیمایش مطالعه‌ای است در مورد جمعیت نمونه نمایا که معرف کل جامعه آماری است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق از افراد بالای ۲۵ سال ساکن شهر تهران تشکیل شده و حجم نمونه برابر با ۴۰۰ نفر برآورد گردید. با توجه به حجم بالای جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (دواس: ۱۳۸۳، ۷۴) استفاده شده است.

در مرحله اول از ۲۰ منطقه شهرداری تهران، شش منطقه به عنوان واحدهای نمونه برداری اولیه از شمال مناطق ۱ و ۲ از مرکز مناطق ۹ و ۱۰ و از جنوب مناطق ۱۹ و ۲۰ انتخاب گردید. سپس با توجه به اطلس تهران بزرگ در کتاب اول بلوک اصلی شناسایی و در نهایت بلوک‌های کوچکتر از بین آنها گزینش شد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی چگونگی توزیع و سهم روابط بین متغیرهای تحقیق، از افراد به مثابه واحدهای تحلیل جمع‌آوری گردید.

برای سنجش روایی ابزار سنجش نیز سوالات پرسشنامه مورد آزمون اولیه قرار گرفتند و آزمون آلفای کرونباخ برای



نمایه ۱. تعهد در مشارکت مدنی

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در دوران کودکی و نوجوانی

مشارکت در دوران کودکی و نوجوانی	فراوانی مطلق	درصد	فراوانی تجمعی
کم	۱۴۶	۳۷/۳	۳۷/۳
متوسط	۱۲۰	۳۰/۷	۶۸
زیاد	۱۲۵	۳۲	۱۰۰
جمع	۳۹۱	۱۰۰	-

جدول فوق میزان مشارکت و فعالیتهای مدنی افراد در ایام نوجوانی را، زمانی که هویت مدنی آنها در حال تکوین بود، نشان می‌دهد و بر اساس آن ۳۷/۳ درصد افراد در دوران نوجوانی مشارکت کم، ۳۲ درصد مشارکت زیاد و ۳۰/۷ درصد مشارکت متوسط داشته‌اند.

تعیین میزان روایی سوالات پرسشنامه انجام گرفت و پس از جرح و تعدیل سوالات در پرسشنامه نهایی میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۶. به دست آمد. اعتبار سوالات نیز از طریق اعتبار صوری که میزان دقت و صحت سوالات را به ارزیابی صاحب نظران و اساتید متخصص می‌سپارد، مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

در این بخش به بررسی رابطه فعالیتهای مشارکت جویانه در دوران مدرسه و نیز فعالیتهای داوطلبانه در این دوران اما خارج از چارچوب مدرسه با شکل‌گیری هویت مدنی یا «حس همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تداوم رفاه اجتماعی» پرداخته می‌شود. البته قبل از بررسی روابط بین متغیرها، جداول نشان دهنده وضعیت مشارکت مدنی افراد در ایام نوجوانی و نیز دوران بزرگسالی ارائه می‌گردد.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۴ پاییز و زمستان ۱۳۸۸
No.24 Autumn & Winter

■ ۲۳ ■

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب میزان فعالیت در نهادهای دانش‌آموزی در دوران تحصیل

مشارکت در نهادهای دانش‌آموزی	فراوانی مطلق	درصد	فراوانی تجمعی
کم	۱۷۲	۴۴	۴۴
متوسط	۹۴	۲۴	۶۸
زیاد	۱۲۵	۳۲	۱۰۰
جمع	۳۹۱	۱۰۰	-

در این جدول میزان شرکت و فعالیت افراد را در کانونها و تشکلهای دانش‌آموزی آن زمان که در مدرسه و دبیرستان مشغول تحصیل بودند، نشان می‌دهد که ۴۴ درصد افراد اظهار کرده‌اند که میزان فعالیت آنها در نهادهای دانش‌آموزی در دوران تحصیل کم، ۳۲ درصد زیاد و ۲۴ درصد متوسط بوده است.

بنابراین جدول شماره ۲ میزان مشارکت مدنی افراد در حال حاضر (دوره بزرگسالی) را نشان می‌دهد و جداول شماره ۳ و ۴ دلالت بر سابقه فعالیت مدنی افراد در ایام

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت مدنی در بزرگسالی

مشارکت مدنی	فراوانی مطلق	درصد	فراوانی تجمعی
بدون مشارکت	۱۵۶	۳۹/۹	۳۹/۹
کم	۴۸	۱۲/۳	۵۲/۲
متوسط	۹۵	۲۴/۳	۷۶/۵
زیاد	۹۲	۲۳/۶	۱۰۰
جمع	۳۹۱	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا توزیع افراد مورد مطالعه را بر حسب میزان مشارکت مدنی در بزرگسالی نشان می‌دهد و بر اساس آن حدود ۴۰ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه فعالیتی در نهادهای مشارکتی نداشته‌اند. از میان ۶۰ درصد بقیه افراد که در نهادها و مجامع مشارکتی فعالیت کرده‌اند ۲۵/۳ درصد مشارکت در حد زیاد، ۲۴/۳ درصد مشارکت در حد متوسط و ۱۲/۳ درصد مشارکت کم داشته‌اند.

گذشته، یعنی دوران نوجوانی هم در درون ساختار آموزش رسمی و هم در نهادهای خارج از این ساختار، دارد. در این مطالعه ارتباط میان این دو سطح به شیوه مطالعه گذشته نگر مورد سنجش قرار گرفته است.

برای این منظور با توجه به سطح سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. فرض ما این بود که شکل گیری هویت و مشارکت مدنی رابطه معناداری با میزان درگیری و مشارکت افراد در فعالیتهای مشارکت جویانه دوران مدرسه دارد. در واقع تشکلهای دانش آموزی نظیر انجمنها، شوراهای دانش آموزی، کانونها و غیره، در مدارس و فعالیت دانش آموزان در این فضاها تجربه ای مهم و نقطه تلاقی به فعالیتهای مشارکت جویانه در دوران بزرگسالی است. ما جهت سنجش دقیق تر، فعالیتهای مشارکت جویانه در مدرسه را از فعالیتهای خارج از چارچوب مدرسه نظیر فعالیتهای گروهی محله ای و در چارچوب روابط همسایگی، فعالیت در کانونها و انجمن های فرهنگی، اجتماعی، هنری و... تفکیک نمودیم و جداگانه رابطه هر دو را با مشارکت مدنی مورد آزمون قرار دادیم. میزان همبستگی آماری بین فعالیتهای مشارکت جویانه در مدرسه و مشارکت مدنی در حدود ۰/۵۳ است که همبستگی نسبتاً بالایی را نشان می دهد. جهت رابطه نیز مثبت است که دلالت بر افزایش حس مسئولیت پذیری اجتماعی و سیاسی (هویت مدنی) با افزایش میزان فعالیتهای مشارکت جویانه افراد در دوران مدرسه دارد. جدول ذیل نتیجه مربوط به تحلیل همبستگی دو متغیر را نشان می دهد.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی بین فعالیتهای مشارکت

جویانه در مدرسه و هویت مدنی

متغیرها	فعالیتها مشارکت جویانه در مدرسه	هویت مدنی
فعالیتها مشارکت جویانه در مدرسه	۱	۰/۵۳۸
سطح معناداری		۰/۰۰۰
هویت مدنی	۰/۵۳۸	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	

بنابراین این فرض ما که مشارکت در تشکلهای دانش آموزی دوران مدرسه در نوجوانی یا جوانی عامل مهمی در تعیین میزان حس تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی در بزرگسالی است، تایید می گردد.

همبستگی بین فعالیتهای مشارکت جویانه خارج از مدرسه و هویت و مشارکت مدنی نیز برابر با ۰/۴۷ بود که مثبت بودن آن نشان می دهد افزایش میزان فعالیتهای مشارکت جویانه افراد در خارج از مدرسه در بالا بردن هویت مدنی و تعهد سیاسی اجتماعی آنان در بزرگسالی نقش تعیین کننده ای دارد. در جدول ذیل نتیجه مربوط به تحلیل همبستگی دو متغیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی بین فعالیتهای مشارکت

جویانه خارج از مدرسه و هویت مدنی

متغیرها	فعالیتها مشارکت جویانه خارج از مدرسه	هویت مدنی
فعالیتها مشارکت جویانه خارج از مدرسه	۱	۰/۴۷۲
سطح معناداری		۰/۰۰۰
هویت مدنی	۰/۴۷۲	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	

بنابراین با توجه به همبستگیهای آماری بین متغیرها می توان گفت که در دوران کودکی و نوجوانی است که مشارکت مدنی از طریق ورود به عرصه مشارکتهای نهادی چه در سطح مدارس و چه خارج از آنها، به عنوان مولفه ای پایدار از هویت مدنی افراد در می آید و حس تعلق و عضویت اجتماعی فراگیری در آنان برای شرکت فعالانه و عمدتاً آزادی و داوطلبانه (و نه اجباری و تحمیلی) در جامعه ایجاد می کند.

نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی رابطه شرکت افراد در فعالیتهای مشارکت جویانه در مدارس و همچنین خارج از نهاد مدرسه با شکل گیری هویت مدنی پرداختیم. فرض ما

براین بود که «حس تعهد و مسئولیت پذیری اجتماعی در جهت تداوم رفاه اجتماعی» موضوعی است که با یادگیری و آموزش ارتباط تنگاتنگی دارد و این مساله در نهادی همچون آموزش و پرورش و عمدتاً در قالب فعالیتهای داوطلبانه و مشارکت جویانه تحقق می پذیرد. فعالیتهای مشارکت جویانه در این دوران در آموزش رویه های سازمانی و سازوکارهای مشارکت و فعالیت گروهی و نیز در تلفیق و پیوند مشارکت مدنی با هویت مدنی نقش بسزایی دارد. ما این فرض را مورد آزمون قرار دادیم و نتایج به دست آمده تاییدکننده این رابطه بودند. از یک طرف هر اندازه افراد در دوران مدرسه در فعالیتهای مشارکتی در قالب تشکلهای، کانونها و... شرکت داشتند به مراتب از حس مسئولیت پذیری اجتماعی و تعهد مدنی بیشتری در بزرگسالی برخوردار بودند و از سوی دیگر نیز شرکت فعالانه در فعالیتهای گروهی در دوره کودکی و نوجوانی، اما خارج از چارچوب فعالیتهای گروهی در مدارس، تعیین کننده میزان درگیری افراد در مشارکت مدنی در عرصه اجتماعی بود. در واقع مشارکتهای دوران کودکی و نوجوانی تمرینی عملی برای فرد فعال و شهروند برجسته و تمام عیار شدن در بزرگسالی است. نقش مشارکت ساختن فرد به مثابه یک شهروند برجسته است. این دوران فرصت بسیار حیاتی برای تمرین حاکمیت الگوهای دموکراتیک در سطوح پایین نهادهای اجتماعی و مهمتر از آن بازتولید آن در عرصه فراگیر سیاسی اجتماعی است. مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه محور مسلماً افراد را به فعالیت در طرحهای خدماتی گروهی پیوند می دهد. نتایج مطالعات یونیس و همکاران که از لحاظ نظریه تکوین هویت اجتماعی-تاریخی مورد بحث قرار گرفته است بر این نکته دلالت دارد که طرحهای خدماتی اجتماع محور برای جوانان یک فرصت توسعه ای فراهم می کند تا در سنتهایی مشارکت کنند که موجب برتری آنها در موقعیتهای مختلف می گردد.

بنابراین تمرکز منابع و نیروها در جهت غنای فعالیتهای داوطلبانه و مشارکت جویانه در مدارس و همچنین در کلیت نظام اجتماعی می بایست جزء مهمترین و ضروری ترین برنامه های هر جنبش مدنی یا دولت برآمده

از آن باشد. مطالعات بسیاری همگرایی بین ایجاد حس تعهد مدنی و مسئولیت پذیری اجتماعی و غنای فعالیتهای مشارکت جویانه در مدارس را تایید کرده اند. در واقع جنبه مدنی هویت زمانی شکل می گیرد که نوجوانان و جوانان مشارکت، مسئولیت پذیری اجتماعی و نقش خود در فرایندهای سیاسی و تعهد خود به اصول اخلاقی را به هم پیوند دهند. تجربه های که از طریق مشارکت گروهی به دست می آید حاوی این نکته آموزنده به نوجوانان و جوانان است که اعمال جمعی موجب همکاری موثر آنان می شود و مسئولیت پذیری آنها دیگران را نیز به پذیرش مسئولیت تشویق می کند. مزیت عمده تمرین مشارکت در دوران مدرسه این است که افراد در می یابند اختلافات موجود به معنای پایان کار نیست. هویت چیزی نیست که به کسی اعطا شود بلکه از طریق فرایند اجتماعی شدن ساخته می شود. بنابراین هویت مدنی قادر است افراد را به سمت حفظ نظم اجتماعی موجود و یا چالشهایی که در نهایت به اصلاح و نوسازی وضع موجود بینجامد، سوق دهد. بدین ترتیب این سوال اساسی مطرح است که چگونه می توان فرصتهای نوجوانان و جوانان را برای مشارکت فعال در اصلاح و نوسازی جامعه تقویت کرد؟ دولتها قادرند با تامین تجربه های مشارکتی هدفمند برای نوجوانان و جوانان، به آنان اجازه دهند توانایی های خود را کشف کنند، مسئولیت خود را ارزیابی کنند، به درکی از فرایندهای سیاسی دست یابند و به یک ایدئولوژی معنوی اخلاقی پایبند شوند.

نوجوانان و جوانان از طریق پیوند و ارتباط با دیگران در راه هدفهای مشترک، در ساختن هویت مدنی خود سهیم می شوند. وظیفه دولتها و بزرگسالان در فرایند ساخت هویت مدنی این است که عرصه ها و ظرفیتهای لازم را برای مشارکت و تحقق استعدادهای آنان فراهم کنند به گونه ای که از این رهگذر نوجوانان و جوانان را در اصلاح و نوسازی جامعه با خود همراه و همگام نمایند. به اعتقاد ما غفلت و بی توجهی به این امر بیش از آنکه به جوانان آسیب برساند، هنجارها، ارزشها و الگوهای را به چالش و رویارویی می کشاند که نسل گذشته در پی استمرار و تحکیم آنها در میان نسلهای آتی جامعه است. مشارکت و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۴ پاییز و زمستان ۱۳۸۸
No.24 Autumn & Winter

and Yates Miranda(1997)"what we know about civic identity" the American Behavioral Scientist;Mar/Apr 40,5.620-635

حضور فعالانه در عرصه اجتماعی سیاسی این امکان را برای افراد فراهم می‌کند تا هستی سیاسی اجتماعی خویش را تحقق بخشند و وظیفه نسل گذشته بستر سازی برای تحقق عملی و عینی این هستی است.

منابع

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران نشر کویر.
۲. پیران، پرویز (۱۳۷۷) شهر شهروند مدار ۵، طرح شهردار مدرسه: پیش به سوی مشارکتهای اجتماعی در حیطه‌های رسمی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۳-۱۳۴
۳. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران، نشر نی.
۴. دواس، دی.ای (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی
۵. فالکس، کیث (۱۳۸۱) شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، نشر کویر
۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۳) عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو
۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) فراسوی چپ و راست، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی.
۸. یونیس و همکاران (۱۳۸۱) هویت مدنی، ترجمه محمد رضا حسن زاده، آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۰-۲۱
9. Markus B. and Hanes Walton (2002) "civic participation in American cities" (w.w.w google.com).
10. Metz Edward, Mcllellan Jeffrey, and Uouniss james (2003) "Types of voluntary service and adolescents civic development" Journal of adolescent research, vol.18, no. 2, 188-203.
11. Uouniss james, Mcllellan Jeffrey A, Su Yang, and Yates Miranda(1999) "The role of community service in identity development", normative, unconventional, and deviant orientations. Journal of adolescent research, vol.14, no. 2, 248-261.
12. Uouniss james, Mcllellan Jeffrey, ,

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۴ پاییز و زمستان ۱۳۸۸
No.24 Autumn & Winter

■ ۲۶ ■